

## بررسی جایگاه رهبری از منظر حکومت اسلامی و قانون اساسی

علیرضا سایبانی<sup>۱</sup>، امین اله سالاری<sup>۲</sup>

### چکیده

در حکومت اسلامی و به تبع آن قانون اساسی، مقام رهبری دارای دو جایگاه عالی مرتبه می‌باشد. از یکسو مبتنی بر رویکرد فقهی در حکومت شیعی در جایگاه ولایت امر و امامت امت، و از سوی دیگر با استناد به قانون اساسی در مقام عالی‌ترین مقام رسمی کشور قرار دارد. نظام ایران برگرفته از عقاید اسلامی، مشروعیت نظام را در اتصال، حکومت اسلامی به سلسله وحی دانسته است و قانون اساسی بر همین مبنا رهبری را از پایه‌های اعتقادی نظام به حساب آورده است و در اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران را نظامی دانسته است بر پایه ایمان به امامت رهبری و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی از راه جهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتب و سنت معصومین. در دیباچه قانون اساسی همچنین مقام رهبری ضامن عدم انحراف دستگاه‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی می‌باشد، که توسط وی با بکارگیری شیوه‌های مشخص قانون اجرای احکام اسلامی در کشور تضمین می‌گردد. فرامین این مقام در قانون اساسی به دو دسته مصرح در اصل ۱۱۰ و غیرمصرح قابل تقسیم می‌شود.

**واژگان کلیدی:** رهبری، حکومت اسلامی، قانون اساسی، ولایت فقیه.

<sup>۱</sup> دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

## مقدمه

اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن گردد. براین مبنا مشروعیت حکومت در اسلام و ایران از ولی فقیه سرچشمه می‌گیرد. بهترین دلیل بر این مدعا تشخیص مطابقت قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی بر عهده فقهای منصوب رهبری در شورای نگهبان است و حقوقدانان در این امر نقشی ندارند. به عبارت بهتر فعلیت یافتن نظام اسلامی موکول به اسلامی شدن قوانین و مقررات کشور است که این فعلیت را مقام رهبری برعهده می‌گیرد.

## اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی جایگاه رهبری در حکومت اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شناخت وظایف ایشان و بررسی جایگاه و نقش ارکان اصلی تشکیل حکومت یعنی مردم، فقهای جامع‌الشرایط و تنفیذ ولی فقیه می‌باشد.

## رهبری در قرآن

هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. این مقام، رهبری معنوی و مادی جامعه است که خداوند پس از احراز شایستگی به حضرت ابراهیم اعطا فرمود (بقره، ۱۲۴). همچنین خداوند در قرآن آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید از خداوند، پیامبر و اولوالامر اطاعت کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید آن را به

جمهوری اسلامی ایران یک نظام مکتبی و تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان داد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، مسیر حرکت به سوی هدف نهایی (حاکمیت اسلام) را آگاهانه بپیمایند (زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). ملتی که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی بطور یکپارچه در همه‌پرسی نوع نظام سیاسی، تصمیم نهایی خود را بر تأسیس نظام جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی) اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲ درصد به آن رأی مثبت داد (اصل اول قانون اساسی). برپایی نظام سیاسی نو براساس اعتقاد به حکومت حق و عدل قرآن، مقدمه اجرای احکام و آموزه‌های اسلام، تأمین استقلال و عدالت، تضمین همبستگی ملی و سرانجام ایجاد جامعه نمونه اسلامی است. ماهیت نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلامی ایجاب می‌کند که قانون اسلامی الهام‌بخش تأسیس و تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی باشد. قانونگذاری که بیانگر ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان یابد، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره امور شوند (سوره نور، آیه ۴۳). به گونه‌ای که احکام اسلامی در همه امور جامعه و رفتار متقابل مردم و دولت اجرا شود.

فلسفه وجودی نهاد رهبری در نظام جمهوری اسلامی، قرار گرفتن مجاری امور در صلاحیت فقیه واجد شرایطی است که با نظارت دقیق بر اعمال حکومت و نهادهای حکومتی، ضامن هدایت نظام به وظایف اصیل اسلامی خود باشد (دیپاچه قانون اساسی). براین اساس طبق اصل پنجم قانون اساسی در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری



## مبانی اثبات رهبری

### الف) عقلی

حضرت امام خمینی در کتاب ولایت فقیه می‌نویسد: مسئله ولایت فقیه امری بدیهی و روشن است، ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد، به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آنرا به تصور می‌آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آنرا ضروری و بدیهی خواهد شناخت (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۳). همچنین حضرت امام در این کتاب، چند دلیل عقلی دیگر را متذکر می‌شود که عبارتند از: رسالت پیامبر(ص) با ابلاغ جانشین تکمیل گردیده است (همان، ۱۵). در عصر غیبت امام زمان (عج) نیز تشکیل حکومت لازم است (همان، ۳۹). تبعیت از فقیه ضروری است. حکومت و ولایت فقیه به منظور انجام وظیفه دینی است (همان، ۴۰).

### ب) خبری

در اصول کافی در جلد اول صفحه ۵۱ آمده است که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: فقها امین و مورد اعتماد پیامبرانند تا هنگامی که وارد دنیا نشده باشند. گفته شده، ای پیغمبر خدا وارد شدنشان به دنیا چیست؟ فرمودند: پیروی کردن قدرت حاکمه، بنابراین اگر چنان کردند بایستی از آنها بر دینتان بترسید و پرهیز کنید. همچنین امام زمان (عج) می‌فرمایند: در حوادث و پیشامدها راویان حدیث ما را رجوع کنید زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم.

خداوند و پیامبر بازگردانید و از آنها داوری بطلبید. همچنین در آیه ۲۴ سوره سجده در مورد رهبری بنی اسرائیل آمده است که در بین آنها امام‌هایی قرار دادیم که به امر ما مردم را هدایت کنند چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند.

## رهبری در کلام امیرالمؤمنین

حضرت علی (ع) در خطبه معروف منیریه علل پذیرش حکومت و شرایط و صفات یک رهبر عادل را چنین بیان می‌دارد:

خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی می‌آورد و دعوت تو را شنید و اجابت کرد. در نماز کسی از من جزء رسول خدا پیشی نگرفت، همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود تا در اموال آنها حریص گردد. نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را غضب و عطا‌های آنها را قطع کند و نیز کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی دیگر مقدم می‌دارد و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد زیرا با داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند. آن کس که سنت پیامبر را ضایع می‌کند لیاقت رهبری را ندارد، زیرا امت اسلامی را به هلاک می‌کشاند (خطبه ۱۳، نهج البلاغه).

## شرایط رهبری در حکومت اسلامی

بی‌تردید برای تصدی مسئولیت شرایط پیش‌بینی می‌شود. هرچه که این مسئولیت سنگین‌تر باشد شرایط آن نیز برجسته‌تر خواهد بود. بدیهی است که امامت امت باید انسان برگزیده‌ای باشد. اگر قرار است که نظام آینده جمهوری اسلامی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه از نظر التزام و مقیدبودن به وظایف یک مسلمان در تمام وظایف فردی، سیاسی، خانوادگی و اجتماعی الگو و نمونه باشد (مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی، مرکز تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی). مجموع شرایطی که مرحوم شهید بهشتی برای رهبران بیان می‌کند در فقاہت، عدالت، مدیریت و آگاهی و زمان خلاصه می‌شود. ضابطه رهبری در اسلام عبارت است از ایمان به اسلام به عنوان یک عقیده و عمل، یک جهان‌بینی و ایدئولوژی زنده و یک ایدئولوژی تاریخی شده و ایمان به مسئولیت، احساس مسئولیت و تعهد، بینش اجتماعی و آگاهی به مسائل زمان، قدرت، تدبیر، مدیریت و ارائه در محل مناسب و مقیدبودن به وظایف الهی، اخلاقی و اجتماعی. شهید بهشتی معتقد است در شرایط و خصوصیات رهبری میان مذهب شیعه و سنی جز در مورد فقاہت تفاوتی نمی‌باشد.

## اختیارات رهبری در حکومت اسلامی

موضوع اختیارات رهبری از جمله مباحث بحث‌انگیز سال‌های اخیر بوده است، البته بحث بر سر اصل داشتن اختیارات از سوی رهبری نیست بلکه آنچه موضوع نزاع بوده است محدوده اختیارات است، اما از نظر فقهی سه نوع اختیار برای رهبری قائل می‌شوند.

## الف) ولایت در فتوی

مقصود آن است که فقیه واجدالشرایط مجاز است یا مکلف است که احکام شرعی و مسائل مورد نیاز مردم را از منابع دینی استنباط و استخراج کرده برداشت فقهی خود را به صورت فتوی بیان کند تا مقلدین آن را معیار عمل قرار دهند.

## ب) ولایت در قضا

یعنی فقیه جامع‌الشرایط مرجعی صلاحیتدار برای فصل خصومت و رفع اختلاف است، او می‌تواند بر مسند قضا تکیه زند و به دعاوی رسیدگی نماید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱).

## ج) ولایت در حکومت

ولایت در حکومت اسلامی به معنای سرپرستی جامعه و مدیریت و رهبری عامه مردم و توالی اجرای احکام شرعی است (همان). شأنیت ولایی یافتن و مشروعیت حکومت، ناشی‌شدن همه مسئولیت‌های نظام از ناحیه ولایت فقیه، تشخیص مصالح نظام و صدور احکام ثانوی متناسب با مصالح، تفوق و نظارت رهبری نسبت به سایر قوا، داشتن اختیارات وسیع و مهم اجرایی و قضایی و ... از آثار شرعی و حقوقی اصل ولایت فقیه به شمار می‌آید. تمام این آثار، به‌گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی شده است.

اختیار صدور احکام ولایی یا حکومتی از سوی رهبر، یکی دیگر از آثار و نتایج شرعی پذیرش اصل ولایت فقیه است. ولی فقیه براساس این اختیار که از ناحیه شارع مقدس به او تفویض شده، گاه ضرورت و اقتضاء، حکم ولایی مقتضی صادر کرده و جلوه‌ای از ولایت خود بر امور و شئون کشور را نمایان می‌کند. تاریخ پس از انقلاب اسلامی ایران، بارها



قانون اساسی وظیفه انتخاب رهبر را بر عهده خبرگان رهبری گذاشته است که اعضای مجلس فوق‌الذکر درباره فقهای واجد شرایط مذکور در اصل یکصد و پنجم قانون اساسی بررسی و مشورت لازم را انجام می‌دهند. و هرگاه یکی از آنان را واجد شرایط دانستند یعنی اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی و یا دارای مقبولیت عام یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم ببینند او را به رهبری انتخاب نمایند. بدین طریق ملاحظه می‌شود که ملاک کار خبرگان رهبری در تعیین رهبر توجه به شرایط ذکر شده در اصل یکصد و نهم قانون اساسی می‌باشد. ولی اصل یکصد و هفتم شرایط اضافی را در نظر گرفته است از قبیل: اعلمیت، مقبولیت و برجستگی خاص (اصل ۱۰۷). منظور از اعلمیت فقط در بعد فقهی نیست بلکه در تمام مسائل سیاسی، حکومتی و غیره می‌باشد. و مراد از مقبولیت نیز این است که شخصیت رهبر در بین سایرین شاخص و مورد توجه عوام و نیز خواص خبرگان باشد. در اجرای اصل یکصد و هفتم قانون اساسی و به جهت شناخت و شرایط رهبری و حدود تبیین شده در اصل نهم قانون اساسی کمیسیونی که متشکل از پانزده عضو از نمایندگان مردم در مجلس خبرگان می‌باشد تحقیقات لازم را به عمل می‌آورند و نهایتاً پس از طی مراحل لازم رهبر را انتخاب و به مردم معرفی می‌کنند. لازم بذکر است که قانون اساسی ۱۳۵۸ در مورد تعیین رهبر دو پذیرش و انتخاب را پیش‌بینی کرده بود (هاشمی، ۱۳۸۷: ۶۷). در واقع این پذیرش همان مقبولیت مردمی است که اگر اتفاق نیافتد حتی امام معصوم (ع) هم قادر به تشکیل حکومت نخواهد بود.

شاهد اجرای این اختیار از سوی ولی فقیه بوده است؛ اما این حال، در هیچ یک از اصول قانون اساسی این اختیار به صراحت برای رهبر، شناخته نشده است. از این‌رو، این امر ممکن است موجب تردید در اختیار قانونی رهبر در صدور احکام حکومتی شود ولی با انضمام تعبیر اصل ۵۷ در خصوص «ولایت مطلقه» به نظرات امام که از منابع حقوق اساسی کشور است، اعتبار و جایگاه احکام حکومتی مشخص می‌شود. به این ترتیب علاوه بر اصل پنجاه و هفتم، اصل یکصد و دهم نیز مؤید پذیرش حکم حکومتی و ولایت مطلقه است و نیز مستنبط از اصول قانون اساسی.

### نحوه انتصاب رهبر در حکومت اسلامی

انتخاب رهبر در عصر غیبت انتخابی است یا انتصابی؟ طبق بیان اکثر فقها از جمله امام خمینی رهبر در حکومت اسلامی منصوب از طرف شارع مقدس است، زیرا منشأ ولایت خداست و خداوند، پیامبر و ائمه را به این مقام منصوب نموده است و ولایت فقیه نیز مکمل امامت است. همان‌طور که پیامبرگرمی اسلام و ائمه اطهار اختیار حکومتی خود را از خدا می‌گیرند؛ ولی فقیه که جانشین معصوم در عصر غیبت است نیز اختیار خود را از شارع مقدس دارند نه از مردم (امام خمینی، پیشین: ۵۲).

فردی از سران عرب در اوایل بعثت از پیامبر(ص) سوال فرمودند که آیا زعامت و رهبری مسلمانان را پس از خود به ما واگذار می‌کنند. پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند: مسأله زعامت و رهبری مربوط به خداوند است و او هر فردی را که بخواهد به این مقام منصوب می‌کند.

انحطاط مختار است. از این رو مردم آزادند که میان خواسته باری تعالی یا نظر مخالف وی امری را انتخاب کنند و عواقب آن را باید متحمل شوند. آیت‌الله جوادی آملی: انسان، تکویناً آزاد آفریده شده است و هرگز بر پذیرش هیچ حاکمیتی (الهی یا غیرالهی) مجبور نیست. به همین خاطر نه در زندگی فردی مربوط اصل دین لاکراه فی‌الدین و نه در حکومت و زندگی اجتماعی و دینی نمی‌تواند اجباری باشد. هر چند که انسان، باید دین و حاکمیت الهی را بپذیرد.

مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی وظیفه‌ی بسترسازی و آماده کردن شرایط ایجاد چنین حکومتی را برعهده دارند. پس از بسترسازی‌های انجام گرفته و تهیه مقدمات، تشکیل دولت اسلامی نیازمند ارکانی است که از عوامل مشروعیت بخش حاکم اسلامی محسوب می‌شود و منظور از نقش مردم در مرحله تشکیل حکومت اسلامی آن است که در مشروعیت حاکم اسلامی، نظر مردم تا چه حد مؤثر است. به عبارتی سؤال این است نقش مردم تا چه حد مؤثر است در این رابطه سه نظریه وجود دارد: ۱- رأی مردم مشروعیت‌بخش حکومت اسلامی است و در واقع رأی مردم موضوعیت دارد. و مبنای مشروعیت جمهوری اسلامی خواهد بود. ۲- دیدگاه دوم آنکه اعتبار شرعی جمهوری اسلامی و استقرار نظام به رأی مردم بستگی ندارد بلکه مشروعیت آن منوط به نظر ولی‌فقیه است، منتها در عمل چون تحقق خارجی و در واقع حکومت بدون رأی ملت و بدون پشتوانه و نظر ملت ممکن نیست. امام خمینی مراجعه به رأی ملت را برای استقرار نظام جمهوری اسلامی لازم می‌داند. مطابق این نظر رأی ملت طریقیست پیدا

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طرح حکومتی نوین بر ویرانه‌های نظام طاغوتی است که پس از طی سه مرحله اساسی و مهم، مبنای حکمرانی و نظامی مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار گرفته است در مقدمه آن در باب تشکیل حکومت چنین آمده است.

رکن اول پذیرش مردم برای اعمال دستورهای اجتماعی و سیاسی شریعت اسلام در عرصه زندگی اجتماعی امت تا زمانی که مردم به اجرای دستورهای اسلام در عرصه‌ی زندگی اجتماعی راضی نباشند، امکان تحقق آرمان‌های اجتماعی و سیاسی شریعت وجود نخواهد داشت. از این رو، پذیرش مردم لازم برای اجرای دستورهای اجتماعی و سیاسی اسلام است. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در بیانی خطاب به مردم کوفه ضمن اشاره به توانمندی‌های خود در عرصه‌ی مبارزه با دشمنان دین از نافرمانی مردم گله‌مند بودند و می‌فرمودند (فرمانده و امیری که به سخنش گوش فرا داده نشود، قدرت تدبیر نخواهد داشت) از این رو جایگاه مردم و قبول ایشان اولین گام برای تشکیل حکومت و به تبع نگرارش به عنوان مبانی، پایه‌ها، اهداف، وظایف و دستورالعمل‌های حکمرانی دینی است. تشکیل حکومت اسلامی فرایندی است چندمرحله‌ای که در همه مراحل آن می‌توان نقش و حضور مردم را احساس کرد از جمله روی کارآمدن حکومت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و قرارگرفتن امام معصوم (ع) در صورت امکان، یا افرادی با خصوصیات شبیه ایشان در رأس جامعه سیاسی خواست خداوند است. انسان بنا بر اراده تکوینی خداوند، آزاد خلق شده و ضمن هدایت از سوی خداوند، هرگز بینش و انتخاب راه و رسوم زندگی و حرکت به سوی رشد و کمال و یا



حکومت برای اقامه‌ی احکام الهی امری بدیهی و روشن است. یک بررسی در انتصاب حضرت علی (ع) و سایر ائمه اطهار (ع) نشان می‌دهد با این که انتصاب امام معصوم جنبه الهی دارد ولی چون نیک بنگرید دیده می‌شود که انتصاب فقط یک جنبه امامت است و برای اینکه جنبه حکومت پیدا نماید باید پذیرش مردمی داشته باشد، کما اینکه همین عدم پذیرش مردمی باعث گردید که جامعه اسلامی ۲۵ سال از زعامت و رهبری امام معصوم یعنی علی (ع) بعد از پیامبر محروم گردیده یا سایر ائمه نیز به همین خاطر موفق نشدند حکومت اسلامی تشکیل دهند. پس اینگونه استنباط می‌گردد که پایه اصلی هر حکومت پذیرش مردمی است و این مضمون در سخنان و رفتار ائمه معصوم بسیار مشهود است که اگر آنان اکثر مردم را همراه خود داشتند هرگز مورد ظلم قرار نمی‌گرفتند. عدم قیام امام حسن (ع) از جمله همین دلایل می‌باشد. پیامبر وحی (ص) نیز برای تشکیل حکومت اسلامی به مردم روی آورد و چون مکه با استقبال خوبی مواجه نگردید به مدینه مهاجرت نموده و به کمک مردم تشکیل حکومت داد.

### وظایف رهبری نسبت به نهادهای حکومت اسلامی

با توجه به اینکه (رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهند داشت)، قسمتی از اصل ۱۰۷ قانون اساسی (هاشمی، ۱۳۶۶: ۹۷)، بنابراین وی در مقام ریاست و حاکمیت کشور، در رأس هرم نظام قرار دارد و دستوراتش نافذ و لازم‌الاتباع می‌باشد.

می‌کند نه موضوعیت. ۳- رأی و نظر سوم آن است که ولایت ولی امر و رأی مردم را به عنوان علل ناقصه تحقق مشروعیت است و زمانی که به یکدیگر بپیوندند، مشروعیت نظام را تأمین می‌کنند. در واقع این رأی مردم است که باعث مقبولیت حکومت می‌شود. اجتهاد فقهای جامع‌الشرایط به عنوان رکن تشکیل حکومت اسلامی الزامی است. رکن سوم تنفیذ ولی فقیه می‌باشد که از باب مقام حکومتی، به اجرای قانون اساسی الزام می‌کند و بر سایر فقها و ساختاری را که مبنای حکمرانی تعریف شده است، تأیید و تنفیذ می‌کند.

اقدامات حکومتی پیامبر (ص) تنها به تصدی حکومت در زمان حیات خودشان منحصر نبود، بلکه آن حضرت برای دوران پس از حیاتشان نیز برنامه‌ریزی لازم را انجام داده بودند. اینها برای بدست گرفتن زعامت سیاسی توسط امیرالمومنین (ع) پس از رسول اکرم (ص) بود. آن حضرت در برهه‌های زمانی متعددی بر امامت و جانشینی علی (ع) تأکید کردند، از جمله صریح‌ترین روایات که بر تعیین امیرالمومنین علی (ع) به عنوان جانشین بعد از رسول الله دلالت دارد، حدیث منزلت است که مورد اتفاق شیعه و سنی می‌باشد. اما در عرصه عمل و در مقام تشکیل حکومت متأسفانه با عدم پذیرش مردم مواجه شد و این امر باعث شد که وی علیرغم اینکه انتصابش از جانب وحی مسلم بود. نتوانست تشکیل حکومت بدهد، امام حسن (ع) نیز پس از بدست‌گیری و اداره حکومت، برای حفظ حکومت اسلامی بسیار تلاش می‌کردند و تنها زمانی که چاره‌ای جز صلح آن هم به دلایل متعددی که به وجود آمده بود نداشتند، حاضر به صلح شدند. بنابر آنچه بیان شد، اعتقاد به لزوم تشکیل



**(د) امور حج**

مقام رهبری از طریق نماینده خود نسبت به امور حج اشرافیت پیدا می‌کند.

**(ه) مرجعیت تقلید**

قبل از بازنگری در قانون اساسی، رهبری در حکومت می‌بایست دارای درجه مرجعیت تقلید می‌بود ولی، هم‌اکنون و پس از بازنگری در قانون اساسی در اصل ۱۰۹ این شرط حذف شده است.

**قدرت رهبری در قانون اساسی**

مقام رهبری به لحاظ شخصی در برابر قانون در (ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی) آمده است که می‌گوید (رهبر در برابر قانون اساسی با سایر افراد مساوی است) با عموم افراد کشور از هر قشر و طبقه‌ای که باشند در مقابل قانون یکسان است و امتیازی بر دیگران اعم فردی، گروهی و طبقاتی به لحاظ رهبر بودن ندارد. اما مستنبط از اصول قانون اساسی، رهبر در قانون اساسی در مقام ایفای وظایف با دیگران متفاوت می‌باشد (کعبی، ۱۳۹۴: ۲۲).

قدرت رهبری در قانون اساسی به دو بخش کلیت نظام (اصل ۱۱۰) و اشراف بر قوای سه‌گانه می‌باشد که به آنها قدرت مصرح و شناخته شده می‌گویند و یک بخش مهم از تصمیمات در موارد اضطراری توسط رهبر گرفته می‌شود که به آن حکم حکومتی یا قدرت غیرمصرح گفته می‌شود.

**جایگاه حقوقی رهبر در قانون اساسی**

اصل ۵ قانون اساسی ولایت فقیه را به عنوان یک خصیصه ممتاز نظام اسلامی شناخته است که مقرر می‌دارد:

با استنباط از اصل ۱۱۳ قانون اساسی ایشان عالی‌ترین مقام کشور می‌باشند، که در اصل ۱۵۷ قانون اساسی اینگونه مقرر شده است (قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند).

همانطور که اصل پنجم قانون اساسی بیان نموده است، در نظام اسلامی رهبری برعهده مجتهد عادل است که می‌بایست حکومت را اداره نماید. لذا سایر شئون مربوط به حاکم اسلامی را نیز عهده‌دار می‌باشد که این موارد به طریقی در امر حکومت مربوط و یا تأثیرگذار است (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۹۹).

**(الف) تعیین ائمه جمعه**

نماز جمعه سنگر سیاسی و عبادی حکومت اسلامی است که هر جمعه در شهرهای مختلف به امامت امام جمعه برگزار می‌شود، بنابراین انتخاب ائمه جمعه از وظایف رهبری است.

**(ب) امور اوقاف**

سازمان اوقاف به عنوان زیرمجموعه وزارت ارشاد کار اوقاف را برعهده دارد اما می‌بایست گفت نماینده رهبری در امورات آن نقش مؤثری دارد. از طرفی برخی از مصادرها در خصوص املاک بلاوارث جهت صرف در امور عمومی تحت امر رهبری بوده و ریاست آن منصوب ایشان است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۳).

**(ج) بنیادها**

بسیاری از بنیادها و سازمان‌های غیردولتی اکنون تحت اختیار رهبری است و به فعالیت خود ادامه می‌دهند، نظیر بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، سازمان تبلیغات.





خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت.

#### ه) اصل ۱۰۸ قانون اساسی

«قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد».

#### اصل ۱۰۹ قانون اساسی: شرایط و صفات رهبر

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛
- ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛
- ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری؛
- ۴- در صورت تعدد واجدین شرایط فوق شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است (رحمانی، ۱۳۸۲: ۹۶).

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (ع) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

#### الف) اصل ۵۷ به عنوان ولایت مطلقه امر آمده است

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

#### ب) اصل ۶۰ قانون اساسی

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزرا است. این اصل قسمتی از اعمال قوه مجریه را بر عهده مقام رهبری گذارده است.

#### ج) اصل ۹۱ قانون اساسی

شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است. این اصل قانون اساسی در مورد شورای نگهبان و چگونگی ترکیب اعضای آن می‌باشد که قسمت اول این اصل درباره وظیفه رهبر می‌باشد (فوزی، ۱۳۸۴: ۷۵).

#### د) اصل ۱۰۷ قانون اساسی

پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است.

## اصل ۱۱۰ قانون اساسی: وظایف و اختیارات رهبر

- ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛
- ۳- در اصل ۱۱۱ قانون اساسی نیز برای عزل رهبری هم قانونی موجود است.

## قدرت رهبری در کلیت نظام

در اصل ۱۱۰ در ۱۱ بند، همانند رؤسای کشورها در نظام‌های ریاستی قانون اساسی قدرت رهبری را به رسمیت شناخته است این اصل دنباله اصل پنجم و یکصد و نهم می‌باشد. این موارد عبارتند:

### الف) تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

این بند یکی از ابداعات نوین در قانون اساسی است و در سایر قوانین اسلامی کشورها دیده نمی‌شود. منظور از تعیین سیاست‌ها یعنی تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود (هاشمی، ۱۳۶۶: ۶۷). منظور از سیاست کلی دولت در درجه اول تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۶۷).

### ۱- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام از سوی رهبری باید در زمره احکام حکومتی محسوب شود و متضمن چارچوب وضع قوانین و مقررات و خط مشی‌ها می‌باشد و معیاری مهم در تعیین اولویت وضع الزامات

قانونی که به تعبیر دیگر روح حاکم بر قانونگذاری و مبنای آن تلقی می‌شوند. سیاست‌های کلی نظام از مصادیق حدود مقرر در قانون اساسی مندرج در اصل ۷۱ قانون اساسی محسوب می‌شود و لذا مجلس شورای اسلامی مکلف است در چارچوب این سیاست‌ها به قانونگذاری بپردازد (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

### ۲- فرمان همه‌پرسی

فرمان همه‌پرسی به منظور تجدیدنظر در قانون اساسی صورت می‌گیرد. اصل ۱۷۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌کند. مصوبات این شورا باید به تأیید مقام معظم رهبری برسد.

### ۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح

رهبری همانند روسای جمهوری آمریکا و فرانسه فرماندهی کل نیروهای مسلح را بر عهده دارد و عزل و نصب و رئیس ستاد مشترک و معاونین وی فرماندهی کل ارتش، سپاه و نیروهای نظامی را در اختیار دارد. این بند مهم‌ترین دلیل برتری قدرت رهبری در ایران است (محمدپور، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

### ۴- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

این بند در سایر کشورها در اختیار عالی‌ترین مقام‌ها در کشورهای خود می‌باشد.

### - نصب و عزل و قبول استعفا مقامات زیر:

فقهای شورای نگهبان (۶ نفر طبق اصل ۹۱)؛  
رئیس قوه قضائیه؛



رئیس سازمان صداوسیما.

#### – حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

این بند قبل از بازنگری در قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور بود. هم‌اکنون در اختیار مقام رهبری قرار گرفته است.

حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع، پس از بررسی در مجمع با امضای مقام رهبری اعتبار دارد.

امضا حکم ریاست جمهوری: امضا حکم رئیس جمهور توسط رهبری تنفیذی است و بهترین دلیل بر آن ماده اول قانون انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۴ است که اعلام می‌دارد: دوره ریاست جمهوری ایران ۴ سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می‌شود.

عزل رئیس جمهور: در دو مورد رئیس جمهور عزل می‌گردد. اول پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی و دوم رأی مجلس مبنی بر عدم کفایت وی با تصویب دو سوم مجموع نمایندگان که در هر دو مورد، به استحضار مقام رهبری می‌رسد و رهبر با در نظر گرفتن مصالح کشور تصمیم مقتضی را خواهد گرفت. بنابراین مقام رهبری در تأیید یا عدم تأیید از قدرت بسیاری برخوردار است. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

#### اشرافیت رهبری بر قوای سه‌گانه

قوه مجریه در ایران براساس رژیم نیمه ریاستی مرکب از مقام رهبری، رئیس جمهور و وزراء می‌باشد (اصل ۶۰ قانون اساسی) قانون اساسی بسیاری از امور در قوه مجریه را به

عهده رهبری سپرده است. مواردی چون عزل رئیس جمهور، تنفیذ حکم رئیس جمهور، عزل و نصب فرماندهان نظامی، موافقت با تصدی معاون اول رئیس جمهور در شرایطی که کشور فاقد ریاست جمهوری می‌باشد، است (اسماعیلی، ۱۳۸۶).

قوه مقننه مرکب از نمایندگان مجلس منتخب مردم (اصل ۶۲) و شورای نگهبان است. مقام رهبری با انتخاب شش فقیه بر قوانین مصوب مجلس نظارت می‌کند. اشرافیت رهبر در قوه قضائیه از طریق انتخاب رئیس قوه قضائیه، انتخاب رئیس دادگاه ویژه روحانیت و عفو و تخفیف محکومان در حدود موازین اسلامی می‌باشد.

#### احکام حکومتی (قدرت غیرمصرح) رهبری در ایران

احکام حکومتی تصمیماتی است که ولی‌امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت زمان، اتخاذ می‌کند و طبق آنها مقرراتی وضع کرده و به اجرا در می‌آورد. مقررات مذکور لازم‌الاجرا بوده و مانند شریعت دارای اعتبار هستند، با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر و مقررات وضعی قابل تغییرند و در ثبات و بقا تابع مصلحتی هستند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات نیز تدریجاً تغییر و تبدیل پیدا کرده و جای خود را به بهتر از خود خواهند داد (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۸۳).

براساس این تعریف، ملاک وضع حکم حکومتی، تشخیص مصلحت در نظر حاکم است، هر چند تمامی احکام شرعی دارای مصلحت می‌باشند ولی این نوع مصلحت در دست و

تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل ۱۰۸ می‌باشد (صابریان، ۱۳۸۶: ۵۰). همچنین در اصل ۱۱۱، کفالت رهبری پیش‌بینی شده و اعلام داشته است: در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام همه وظایف رهبری را به طور موقت برعهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

نظام ایران برگرفته از عقاید اسلامی، مشروعیت نظام را در اتصال، حکومت اسلامی به سلسله وحی دانسته است و قانون اساسی بر همین مبنا رهبری را از پایه‌های اعتقادی نظام به حساب آورده است و در اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران را نظامی دانسته است بر پایه ایمان به امامت، رهبری و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی. فلسفه وجودی نهاد رهبری در نظام جمهوری اسلامی، قرار گرفتن مجاری امور در صلاحیت فقیه واجد شرایطی است که با نظارت دقیق بر اعمال حکومت و نهادهای حکومتی، ضامن هدایت نظام به وظایف اصیل اسلامی خود باشد (دیباجه قانون اساسی). براین اساس طبق اصل پنجم قانون اساسی در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت

به تشخیص حاکم است (رحمانی، ۱۳۸۲: ۵۸). احکام حکومتی توسط حاکم اسلامی است و هرگاه میان نظر حاکم و فتاوی فقهای دیگر در احکام اولیه تراحم یا تعارض پدید آید حکم حاکم، اولی است (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۴۶۶). در کنار احکام حکومتی به معنای عام که در قانون اساسی در عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی تبلور یافته، دسته‌ای دیگر از احکام و فرامین رهبری وجود دارد که مستقیماً توسط این مقام صادر می‌شود و به نظر می‌رسد مبنای آنها در اصول قانون اساسی همان احکام حکومتی است. در این راستا می‌توان به دو مورد از وظایف و اختیارات رهبری در قانون اساسی، یعنی تنظیم و تدوین سیاست‌های کلی نظام (بنداول اصل ۱۱۰) و حل معضلات نظام (بند ۸ اصل ۱۱۰) اشاره نمود.

بر طبق قسمت دوم اصل یکصد و هفتم قانون اساسی خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات شرعی یا مسائل فقهی و سیاسی تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند. همچنین برطبق اصل یکصد و نهم در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخص که دارای بیشترین فقهای و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

### عزل رهبری در قانون اساسی

برطبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد.



- ۹- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۴۸)، *بحثی در مورد مرجعیت و روحانیت*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی.
- ۱۰- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، قم: نشر معارف.
- ۱۱- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۶)، *جزوه حقوق اساسی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۷)، *ولایت فقیه*، جلد اول، قم: مرکز نشر فرهنگی.
- ۱۳- صابریان، علیرضا (۱۳۸۶)، «مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره ۸.
- ۱۴- کعبی، عباس (۱۳۹۴)، *تحلیل نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی*، جلد اول، تهران: انتشارات یزدان.

## فهرست منابع

- ۱- زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- خمینی، روح الله (۱۳۶۶)، *ولایت فقیه*، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳- هاشمی، محمد (۱۳۸۷)، *حقوق اساسی*، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- ۴- هاشمی، محمد (۱۳۶۶)، *مدیریت سیاسی از سبب تا گذار تا سیاستگذاری*، جلد اول، تهران: انتشارات ریاست جمهوری.
- ۵- محمدپور، حسین (۱۳۸۷)، *مختصر حقوق اساسی*، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۶- نجفی، مرتضی و محسنی، فرید (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی*، ج ۱، تهران: انتشارات بین المللی المهدی.
- ۷- موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوق سیاستهای کلی نظام»، *فقه و حقوق*، شماره ۱۷.
- ۸- رحمانی، محمد (۱۳۸۲)، *بازشناسی احکام صادره از معصومین*، قم: بوستان کتاب.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی